روزنامه صبح ایران ابتکار

چهارشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۵
۲۶ شوال ۱۴۴۶
۱۵ آپریل ۲۰۲۶
سال بیست‌ودوم
شماره ۶۱۵۳
۴ صفحه
۲۰۰۰۰ تومان

ایران و آمریکا به توافق نزدیکترند یا تنش؟

ابهام‌های مذاکره در دور دوم

برخی منابع بر این عقیده هستند که دور دوم مذاکرات ایران و آمریکا قبل از انقضای آتش‌بس دو هفته‌ای (۲۱ آوریل) برگزار می‌شود. پیشنهاد صریح پاکستان برای میزبانی دور دوم: مقامات ارشد پاکستانی (از جمله منابع وزارت خارجه و دولت) تأیید کرده‌اند که اسلام‌آباد به هر دو طرف پیشنهاد داده میزبان دور جدید شود. یک منبع پاکستانی به الجزیره و آسوشیتدپرس گفته: «پیشنهاد دور دوم را دادیم و پاسخ مثبت گرفتیم».

شرح درصفحه ۲

قطع اینترنت تا ۳.۶ میلیارد دلار به ظرفیت رشد کشور ضربه زد

ادامه زلزله خاموش ویرانگر

همین صفحه

ابزارهای فشاری که جواب نداد

محاصره طرح شکست خورده آمریکا

صفحه ۲

فورس‌ماژور در بازار اجاره رسمیت ندارد

مهاجرت اجباری مستأجران با شوک جنگ و بیکاری

صفحه ۴

کالبدشکافی پیامدهای انسانی جنگ ۴۰ روزه

از آتش تا آتش‌بس

صفحه ۳

تاثیرات منفی محاصره دریایی ایران توسط آمریکا بر بازار جهانی نفت بررسی شد

بازار نفت در وضعیت نگران‌کننده

صفحه ۴

سرمقاله

آریا یونسی

دولت سرزمین محور بر قدرت دریا محور پیروز است

اگرچه قدرت متجاوز دریایی بتواند تسلیحات سنگین و قوی استفاده کند اما هنگامی که جنگ در عمق راهبردی قدرت خاکی باشد و به جنگ فرسایشی تبدیل شود، جنگی نامتقارن، آنگاه تسلیحات سنگین فایده ای ندارند جز تحمیل هزینه سنگین. پس از آن است که قدرت متجاوز دریایی می بیند که تسلیحات او بی فایده شده اند. بر این اساس قدرت های خاکی می توانند در دراز مدت قدرت های دریایی را شکست دهند.

کارل اشمیت در بحبوحه جنگ جهانی دوم، سال ۱۹۴۲، رساله ای نوشت با عنوان «سرزمین و دریا: تاملاتی بر تاریخ جهان»؛ همچون بسیاری از نظریات دیگر اشمیت این اثر بحثی در جغرافیای سیاسی است: جنگ ناگزیر میان دولت های دریامحور، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا، و دولت های سرزمین محور یا خاک محور، مانند آلمان و قدرت های اروپای قاره ای که باید به این فهرست روسیه هم اضافه کرد. دولت دریامحور قدرت نظامی خود را در دریا قرار می دهد و از دریا حمله می کند؛ اما دولت سرزمین محور بر زمین می ایستد و می جنگد. دریامحورها دنبال منافع و استعمار به اشکال گوناگون هستند اما سرزمین محورها حاکمیت سرزمینی می خواهند و نیروهای نظامی خود را بر زمین قرار می دهند. دولت های خاک محور نیروی دریایی دارند اما نیروی دریایی نیروی اصلی آنها نیست تنها فرع است بر قدرت نظامی. اشمیت می دید که قدرت های دریامحور مشخصات خاصی دارند: ذاتا استعماری و مداخله گرند و جهان بینی خود را تحمیل می کنند، به نفوذ بر راه ها و گذرگاه ها خصوصا گذرگاه های دریایی علاقه دارند، ارزش های لیبرال را تشویق می کنند و به همین دلیل مدافع فردگرایی، بازار آزاد و تجارت جهانی هستند.

ادامه درصفحه ۲

خبر

محاصره تنگه هرمز؛ نبردی فراتر از توان پیروزی آمریکا

به گزارش فرارو به نقل از بلومبرگ، تهدید دونالد ترامپ مبنی بر تکمیل روند «بستن» تنگه هرمز از طریق محدودسازی صادرات ایران، به‌جای آن‌که تهران را به عقب‌نشینی وادار کند، به احتمال زیاد می‌تواند مسیر را به سمت یک درگیری عمیق‌تر و از نظر سیاسی پرهزینه‌تر برای واشنگتن سوق دهد.

در این چارچوب، برخی تحلیل‌گران تأکید می‌کنند که محاصره انرژی، در ذات خود، یک اقدام جنگی محسوب می‌شود؛ اقدامی که تاریخ نیز نسبت به پیامدهای آن هشدار داده است. در این زمینه، اشاره‌ها به پرل هاربر بار دیگر مطرح می‌شود؛ رویدادی که تقریباً شش ماه پس از اعمال محدودیت‌های شدید نفتی ایالات متحده علیه ژاپن در جنگ جهانی دوم رخ داد.

از منظر عملیاتی نیز، محاصره‌ها ابزارهایی نیستند که در کوتاه‌مدت نتیجه بدهند؛ بلکه به زمان، انسجام و کنترل پایدار نیاز دارند. در نتیجه، آتش‌بس شکننده در منطقه اکنون در معرض فشار فزاینده قرار گرفته است. در چنین شرایطی، آنچه روشن به نظر می‌رسد این است که خود محاصره، بیش از آن‌که ابزاری برای پیروزی قطعی باشد، به چالشی تبدیل شده که ایالات متحده با محدودیت‌های جدی در مدیریت و نتیجه‌گیری آن مواجه است.

بازدارندگی ایران و تغییر موازنه در جغرافیای انرژی

متوقف‌سازی صادرات نفت ایران و دیگر کشورهای عبوری از تنگه هرمز در نگاه نخست، راهبردی منطقی برای اعمال فشار به نظر می‌رسد. در این چارچوب، اقتصاد ایران به‌شدت به درآمدهای حاصل از تجارت از همین مسیر وابسته است.

از منظر نظری، محاصره می‌تواند بدون نیاز به تشدید فوری درگیری نظامی، سطح فشار اقتصادی بر تهران را افزایش دهد. اما کارآمدی این فرض تنها در صورتی معنا پیدا می‌کند که یک پیش‌فرض کلیدی پذیرفته شود: اینکه جمهوری اسلامی در واکنش، به سراغ هدف قرار دادن زیرساخت‌های انرژی گسترده‌تر در منطقه نخواهد رفت و پیش از افزایش تنش‌ها، تحت فشار اقتصادی تسلیم خواهد شد. با این حال، هر دو این فرضیه‌ها از دید بسیاری از تحلیل‌گران، با سطح بالایی از عدم قطعیت همراه‌اند.

دونالد ترامپ در حالی وارد مرحله جدیدی از تقابل با ایران شد که روند مذاکرات، پیش‌تر در تحقق هدف اصلی واشنگتن یعنی وادار کردن تهران به پذیرش «تسلیم کامل» ناکام مانده بود؛ همان هدفی که به‌عنوان یکی از توجیهات کلیدی خروج او از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ نیز مطرح می‌شد.

مطالبات ایالات متحده در این چارچوب گسترده و ساختاری تعریف شده بود: توقف کامل غنی‌سازی اورانیوم، محدودسازی برنامه موشکی دوربرد ایران و کنار گذاشتن شبکه متحدانی که تهران آن را بخشی از راهبرد «دفاع رو به جلو» خود می‌داند. هدف نهایی این رویکرد، کاهش ظرفیت ایران برای اثرگذاری و بی‌ثبات‌سازی در محیط منطقه‌ای عنوان می‌شد.

با این حال، در نگاه تهران، همین مؤلفه‌ها صرفاً ابزار تهاجمی تلقی نمی‌شوند، بلکه بخشی از معماری بازدارندگی کشور و سازوکاری برای جلوگیری از حملات مستقیم ایالات متحده و اسرائیل محسوب می‌شوند. هرچند منتقدان استدلال می‌کنند که این بازدارندگی در جلوگیری از تشدید درگیری‌ها ناکام مانده است. در مقابل، تحولات اخیر نشان می‌دهد که جنگ جاری، یک پیامد غیرمنتظره اما مهم برای ایران به همراه داشته است: ایجاد یک اهرم فشار جدید و بالقوه قدرتمندتر. این اهرم نه در حوزه تسلیحاتی، بلکه در جغرافیای انرژی یعنی توانایی ایجاد اختلال، کنترل نسبی یا حتی بهره‌برداری اقتصادی از تنگه هرمز تعریف می شود.

شانس اینکه تهران در شرایط کنونی از هر چهار مؤلفه بازدارنده خود در ازای رفع تحریم‌ها یا هر امتیاز اقتصادی احتمالی واشنگتن صرف‌نظر کند، از نگاه ناظران نزدیک به صفر ارزیابی می‌شود. دونالد ترامپ در مواضع علنی خود تأکید دارد که بازگشت ایران به میز مذاکره یا عدم آن برای او موضوع تعیین‌کننده‌ای‌نیست.

در همین حال، جی.دی.ونس معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده، استدلال می‌کند که رد «آخرین و نهایی‌ترین پیشنهاد» واشنگتن، بیش از آنکه به آمریکا آسیب بزند، هزینه‌های سنگینی بر ایران تحمیل خواهد کرد. اما از دید برخی تحلیل‌گران، این منطق در عمل با تردیدهای جدی روبه‌رو است.

قطع اینترنت تا ۳.۶ میلیارد دلار به ظرفیت رشد کشور ضربه زد

ادامه زلزله خاموش ویرانگر

قطع اینترنت در ایران دیگر یک اختلال مقطعی نیست؛ به بحرانی پرهزینه تبدیل شده که هر روز میلیاردها تومان از پیکره اقتصاد را می‌بلعد و کسب‌وکارها را در سکوت به مرز تعطیلی می‌کشاند.

به گزارش خبرآنلاین، قطع اینترنت در ایران دیگر یک اختلال فنی ساده یا یک تصمیم مقطعی و موقت نیست؛ بلکه به پدیده‌ای تبدیل شده که می‌توان آن را «زلزله خاموش اقتصاد» نامید. زلزله‌ای که نه صدای مهیبی دارد، نه آوار و خرابی فیزیکی، اما به‌صورت پیوسته و بی‌وقفه، ستون‌های اقتصاد را از درون فرسوده می‌کند. این بحران از آن جنس تهدیدهایی است که در لحظه دیده نمی‌شود، اما اثرات آن در طول زمان، به‌مراتب عمیق‌تر از بسیاری از شوک‌های اقتصادی آشکار است.

در اقتصاد امروز ایران، اینترنت دیگر یک ابزار جانبی یا خدمات مکمل نیست؛ بلکه به زیرساخت اصلی تولید ارزش تبدیل شده است. از کوچک‌ترین فروشگاه‌های آنلاین تا بزرگ‌ترین شرکت‌های صنعتی، از خدمات مالی و بانکی تا حمل‌ونقل، از آموزش تا رسانه، همه و همه به اینترنت وابسته‌اند.

در چنین شرایطی، هرگونه اختلال در این شبکه ارتباطی، عملاً به معنای ایجاد اختلال در کل چرخه اقتصادی کشور است. این وابستگی گسترده باعث شده که اینترنت به یکی از حساس‌ترین نقاط اقتصاد ایران تبدیل شود؛ نقطه‌ای که کوچک‌ترین لرزش در آن، به موجی بزرگ در سایر بخش‌ها تبدیل می‌شود.

برآوردهای اقتصادی موجود نشان می‌دهد که هزینه این اختلال بسیار سنگین است. افشین کلاهی، رئیس کمیسیون دانش‌بنیان اتاق ایران، اعلام کرده است که خسارت مستقیم قطعی اینترنت روزانه بین ۳۰ تا ۴۰ میلیون دلار است و در صورت احتساب اثرات غیرمستقیم، این رقم تا حدود ۸۰ میلیون دلار در روز افزایش می‌یابد.

این ارقام به‌خوبی نشان می‌دهد که اینترنت چگونه از یک زیرساخت فنی، به یک متغیر تعیین‌کننده در اقتصاد کلان تبدیل شده است. در واقع، هر روز قطعی اینترنت، به معنای از دست رفتن منابعی است که می‌توانست صرف توسعه زیرساخت‌های حیاتی، ایجاد اشتغال یا افزایش بهره‌وری اقتصادی شود.

در کنار این برآوردهای دلاری، روایت‌های ریالی نیز تصویر مشابهی را نشان می‌دهند. بر اساس اعلام رسمی وزارت ارتباطات، خسارت روزانه قطعی اینترنت حدود ۵ هزار میلیارد تومان برآورد شده است. نکته مهم اینجاست که این رقم تنها محدود به بخش زیرساختی اقتصاد دیجیتال نیست؛ بلکه بخش عمده آن به کل اقتصاد سرایت می‌کند. تنها حدود ۵۰۰ میلیارد تومان از این خسارت به اپراتورها و هسته اقتصاد دیجیتال مربوط می‌شود و باقی آن، به لایه‌های گسترده‌تر اقتصاد، شامل کسب‌وکارهای آنلاین، خدمات دیجیتال، فروشگاه‌ها، پلتفرم‌ها و حتی کسب‌وکارهای سنتی وابسته به اینترنت مربوط است.

برای درک بهتر ابعاد این بحران، کافی است آن را در یک بازه زمانی کوتاه‌تر تجمیع کنیم. اگر تنها ۴۵ روز قطعی اینترنت را مبنا قرار دهیم، مجموع خسارت به حدود ۲۲۵ هزار میلیارد تومان می‌رسد. این عدد در نگاه اول ممکن است صرفاً یک رقم بزرگ اقتصادی به نظر برسد، اما وقتی آن را در مقیاس بودجه‌ای کشور بررسی کنیم، اهمیت واقعی آن روشن می‌شود. این میزان خسارت معادل چندین برابر بودجه عمرانی بسیاری از استان‌هاست و می‌تواند ده‌ها پروژه ملی را به‌طور کامل تأمین مالی کند. به بیان ساده‌تر، در چنین بازه‌ای، منابعی از اقتصاد خارج شده که می‌توانست به توسعه زیرساخت‌های حیاتی کشور اختصاص یابد.

برای تکمیل تصویر، باید به برآوردهای دلاری نیز توجه کرد. اگر حداقل خسارت روزانه یعنی ۳۰ میلیون دلار را مبنا قرار دهیم، زیان ۴۵ روزه به حدود ۱.۳۵ میلیارد دلار می‌رسد. در سناریوی بدبینانه‌تر و با در نظر گرفتن سقف ۸۰ میلیون دلار در روز، این عدد به حدود ۳.۶ میلیارد دلار افزایش پیدا می‌کند. این ارقام حتی در مقیاس اقتصادهای بزرگ نیز قابل توجه هستند، چه برسد به اقتصادی که با محدودیت‌های ساختاری و فشارهای بیرونی مواجه است.

اما آنچه این بحران را پیچیده‌تر می‌کند، ماهیت غیرقابل مشاهده آن است. برخلاف یک زلزله واقعی یا تخریب فیزیکی زیرساخت‌ها، در قطعی اینترنت چیزی به‌طور مستقیم از بین نمی‌رود. ساختمان‌ها پابرجا هستند، خیابان‌ها سالم‌اند و کارخانه‌ها همچنان فعال‌اند، اما در لایه‌ای عمیق‌تر، جریان اقتصادی مختل می‌شود. تراکنش‌ها انجام نمی‌شود، سفارش‌ها ثبت نمی‌گردد، ارتباط با مشتری قطع می‌شود و زنجیره ارزش‌آفرینی به‌طور کامل دچار وقفه می‌شود. همین نامرئی بودن خسارت، باعث شده که ابعاد واقعی آن درک نشود یا کمتر جدی گرفته شود.

در مرکز این بحران، اقتصاد دیجیتال قرار دارد؛ بخشی که در سال‌های اخیر به یکی از موتورهای رشد اقتصادی کشور تبدیل شده بود. استارتاپ‌ها، پلتفرم‌های خدماتی، فروشگاه‌های اینترنتی، فریلنسرها و تولیدکنندگان محتوا، همگی به اینترنت وابسته‌اند.

برای این گروه‌ها، اینترنت نه یک ابزار کمکی، بلکه بستر اصلی فعالیت اقتصادی است. در نتیجه، قطع اینترنت برای آن‌ها به معنای کاهش درآمد نیست؛ بلکه به معنای توقف کامل فعالیت اقتصادی است. این توقف، در بسیاری از موارد، حتی در بازه‌های کوتاه‌مدت نیز قابل جبران نیست و می‌تواند به از دست رفتن دائمی مشتریان یا بازار منجر شود.

اما اثرات این بحران فقط محدود به اقتصاد دیجیتال نیست. زنجیره تأمین در اقتصاد مدرن به‌طور کامل به ارتباطات آنلاین وابسته شده است. از تأمین مواد اولیه و مدیریت انبار گرفته تا حمل‌ونقل، پرداخت و ارتباط با مشتری، همه این فرآیندها به اینترنت متصل‌اند.

در نتیجه، اختلال در اینترنت می‌تواند مانند یک شوک زنجیره‌ای عمل کند؛ به‌طوری‌که یک اختلال کوچک در یک نقطه، به اختلال گسترده در کل سیستم تبدیل شود. کارخانه‌ای که مواد اولیه خود را دریافت نمی‌کند، فروشنده‌ای که نمی‌تواند سفارش ثبت کند و صادرکننده‌ای که بازار خارجی خود را از دست می‌دهد، همگی حلقه‌هایی از این زنجیره آسیب‌دیده هستند.

از منظر سرمایه‌گذاری نیز، پیامدهای این بحران بسیار جدی است. سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، بیش از هر چیز به ثبات و قابلیت پیش‌بینی نیاز دارند. وقتی یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های اقتصادی یعنی اینترنت، ناپایدار باشد، ریسک سرمایه‌گذاری به‌طور طبیعی افزایش می‌یابد.

این افزایش ریسک، به کاهش ورود سرمایه جدید و حتی خروج سرمایه‌های موجود منجر می‌شود. در بلندمدت، این روند می‌تواند رشد اقتصادی کشور را محدود کرده و فاصله آن با اقتصادهای پیشرو را افزایش دهد.

بازار کار نیز از این وضعیت بی‌نصیب نمانده است. هزاران نفر در حوزه اقتصاد دیجیتال به‌صورت مستقیم و صدها هزار نفر به‌صورت غیرمستقیم مشغول به کار هستند. قطع اینترنت، برای این افراد به معنای کاهش درآمد، افزایش نااطمینانی و در برخی موارد از دست رفتن کامل شغل است. فریلنسرهایی که با بازارهای بین‌المللی کار می‌کنند، با هر بار اختلال در اینترنت، نه‌تنها درآمد خود را از دست می‌دهند، بلکه اعتبار حرفه‌ای‌شان نیز آسیب می‌بیند. در دنیای دیجیتال، این اعتبار به‌سختی به دست می‌آید و به‌راحتی از بین می‌رود.

نوبت اول

مناقصه عمومی یک مرحله ای

گمرک جمهوری اسلامی ایران

اداره کل گمرک جلفا درنظر دارد فراخوان طراحی،تامین،حمل ،نصب و راه اندازی نیروگاه خورشیدی ۲۰۰کیلو واتی پارکینگی در گمرک جلفابه شماره سیستمی ۲۰۰۵۰۰۴۱۴۲۰۰۰۰۰۱را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکتها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت. متقاضیان شرکت در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

-تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۵/۰۱/۲۴

- مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۵/۰۱/۳۱

-مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۵/۰۲/۱۰

- زمان بازگشایی پاکت ها: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار:

شرکت کنندگان درمناقصه بایستی مبلغ ۸/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال (هشت میلیاردو پانصد میلیون ریال) بعنوان تضمین شرکت درفرآیند ارجاع کار به صورت یکی از تضامین (سپرده نقدی-ضمانت نامه بانکی) درپاکت (الف) به اداره کل گمرک جلفا تسلیم نمایند. درضمن شماره حساب IR۲۳۰۱۰۰۰۰۴۰۵۴۰۰۱۱۰۷۵۶۵۷۲۸ طی شناسه واریزی ۹۱۸۱۱۰۵۵۴۱۰۳۲۱۱۱۰۰۱۰۰۲۰۰۰۰۰۰۰۰ بنام تمرکز وجوه سپرده گمرکات استان (نزد بانک ملی)جهت واریز سپرده اعلام می گردد.

اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: آذربایجان شرقی-شهرستان جلفا-اداره کل گمرک جلفا -تماس:۰۴۱-۴۲۰۱۴۵۱۷

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۱/۲۶ تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۱/۲۹